Examining the Possibility of Interpreting and Categorizing Iranian-Islamic Cities Using Schultz's Theory of Genius Loci: Defining the Genius Loci of the Space of Iranian-Islamic Cities and Searching for the Iranian Utopia

Mehdi Hamzehnejad[1*], Amir Massoud Nakhaei Sharif[2], Hanieh Azizi Qomi[3]

[1]Assistant Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Iran.
[2]M.A in Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Iran.
[3]M.A in Architecture, Faculty of Architecture and Urban Planning, Iran University of Science and Technology, Iran.

(Received 2 Nov 2017, Accepted 4 May 2018)

According to Christine Norberg Schultz, the architectural identity of ancient cities splits itself into four cosmic, romantic, classical, and compound patterns. But does this view applies also to Iranian-Islamic cities? Schultz introduces genius loci of the space in Islamic cities in his classification of cosmic cities, but a quick look at the Islamic urban planning system reveals that this theory can be completely modified, at least in the geographical area of Iran. Do all Iranian cities possess a cosmic spirit? What is the model of Iranian cities according to the structural model of the theory of genius loci? Can the cultural and semantic dimensions of the environmental context proposed in this theory be accepted and generalized to Islamic environments? In this study, an attempt has been made to explore Iranian cities and pinpoint their urban model, and to localize this theory in Iran. The use of indigenous urban patterns in urban design is one of the valuable methods in this category that can help design and shape an identifiable city. Today, due to the spread of designs unrelated to the identity of cities and the disappearance of urban features, this identity is increasingly diminishing. The use of urban patterns is one of the useful methods in recovering this identity and characteristics. To this end, the present study, using qualitative interdisciplinary studies, phenomenology and library studies and considering climate, landscape and urban studies and the impact of psychology on these components, attempts to pin down the genius loci existing in Iranian-Islamic urban spaces, thus revising Schultz's theory. Thus, Schultz's point of view and the theory of genius loci are first examined. This study analyzes Iranian cities using this theory in four forms: romantic, cosmic, classical, and the composition of his choice. According to the typology of these cities, the studies are carried out from two perspectives: positional and semiotic, and in fact, the structure of Schultz's theory has furnished a medium for defining the indigenous Islamic identity. The results show that all four of Schultz's models can be defined in Iranian-Islamic cities, so that the character and genius loci of each city are shaped by such factors as climate, beliefs and culture, civilization and past urban planning. Northern cities and some western and northwestern cities with humid climates have the genius loci of romantic places, central cities with dry climates represent the genius loci of cosmic places and northern cities and some central and western cities reveal the genius loci of classical places.

The original idea of the City Garden in Western urban planning to create sustainable complexes was further linked to the environment in the 19th century. This plan in the Middle East contains a spiritual concept and was proposed in order to create an earthly paradise. Safavid Garden City, with its composite spirit, is a model for Iranian-Islamic cities as a utopia.

Keywords: Genius loci, Phenomenology, Iranian-Islamic city, Safavid utopia.

* Corresponding author. E-mail: hamzenejad@iuts.ac.ir

Copyright© 2020, the Authors | This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial .terms

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]

[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

مقالهٔ پژوهشی

DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1

سال پنجم، شماره اول- بهار و تابستان ۹۹

بررسی امکان تفسیر و گونه‌شناسی شهرهای ایرانی-اسلامی بر اساس نظریهٔ روح مکان شولتز
تعریف روح مکان شهرهای ایرانی- اسلامی و جستجوی آرمان‌شهر ایرانی

مهدی حمزه نژاد[1*]، امیرمسعود نخعی شریف[2]، هانیه عزیزی قمی[3]

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

۳. کارشناسی ارشد معماری دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۱۲، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۲۵)

چکیده

نظر به دیدگاه نوربرگ شولتز، هویت معماری شهرهای باستانی بین چهار الگوی کیهانی، رمانتیک، کلاسیک و مرکب تقسیم می‌شود و روح مکان شهرهای اسلامی در گسترهٔ شهرهای کیهانی قرار می‌گیرد؛ اما آیا شهرهای ایرانی- اسلامی همه، دارای روح کیهانی هستند؟ الگوی آن‌ها با توجه به الگوی ساختاری نظریهٔ شولتز چیست؟ آیا ابعاد فرهنگی و معنایی ناشی از بستر محیطی را هم می‌توان در محیط‌های اسلامی پذیرفت و این الگو را گسترش داد؟ در این تحقیق، تلاش شده با بازنگری در نظریهٔ روح مکان و بررسی شهرهای ایران، الگوی آن‌ها کشف و بومی‌سازی شود. در فرایند طراحی، استفاده از الگوهای بومی منطقه، کمک شایانی به باززنده‌سازی هویت مکان می‌کند، هویتی که امروزه با توجه به گسترش طراحی‌های غیر مربوط در حال کمرنگ‌تر شدن است. پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از مطالعات میان‌رشته‌ای به‌صورت کیفی، پدیدارشناسی و کتابخانه‌ای و ارتباط با مطالعات اقلیمی، منظر، شهرسازی و تأثیر روان‌شناسی بر این مؤلفه‌ها، تلاش می‌کند تا روح مکان موجود در شهرهای ایرانی-اسلامی را معرفی کند و به‌این ترتیب، تئوری شولتز را مورد بازبینی قرار دهد. در این پژوهش، شهرهای ایرانی در چهارچوب نظریهٔ شولتز بررسی می‌شوند و گونه‌شناسی این شهرها از دو منظر موضع‌شناسی و سیماشناسی صورت می‌گیرد؛ در حقیقت، ساختار این نظریه، ظرفی برای تعریف هویت اسلامی شهرها است. نتایج حاکی از آن است که هر چهار الگو در شهرهای ایرانی- اسلامی قابل‌تعریف است و تحت تأثیر عواملی چون اقلیم شهر، اعتقادات و فرهنگ، تمدن و شهرسازی گذشته، شکل گرفته‌است. در این میان، باغشهر صفوی با داشتن روح مکان مرکب، به‌عنوان یک آرمان‌شهر، الگویی برای شهرهای ایرانی- اسلامی، است.

واژگان کلیدی

روح مکان شولتز، پدیدارشناسی، شهر ایرانی-اسلامی، باغشهر صفوی.

[*] نویسندهٔ مسئول مکاتبات: hamzenejad@iuts.ac.ir

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]

[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

مقدمه

شهرسازی و شهرنشینی از اولین نشانه‌های تمدن بشر بوده و بشر از همان ابتدای شروع به زیستن، به دنبال یک‌جانشینی و تجمع با همنوعان در مکانی مناسب بوده است. در طول تاریخ، مکان‌ها بر اساس اقلیم و جغرافیایشان، تنوع‌هایی داشته‌اند. رومیان باستان، هر منطقه جغرافیایی را بر طبق ویژگی‌های آن، در قالب روحی تعریف می‌کردند و نام می‌نهادند و معتقد بودند که این ویژگی‌ها با انسان و طبیعت در ارتباط هستند و از هم تأثیر می‌گیرند. بر طبق اعتقادات مردم این سرزمین، هر وجودی دارای روحی مستقل است که به آن شخصیت بخشیده و از تولد تا مرگ همراه آن است. درواقع روح مکان بر چیستی یک چیز دلالت دارد و برگرفته از شخصیت یا کیفیت خاص یک مکان است که از آن‌جمله می‌توان، الگوهای توپوگرافی، بافت شرایط طبیعی، مردم و الگوهای رویدادهای انسانی را نام‌برد. رابطهٔ شهرسازی با طبیعت و تأثیر آن، از دیرباز موردتوجه انسان بوده و یکی از مهم‌ترین عوامل در انتخاب محلی برای یک‌جانشینی، طبیعت آن منطقه بوده است و تا به امروز این تأثیر را می‌توان در شهرسازی و شکل‌گیری شهر در بافت شهری ملاحظه کرد.

شولتز در نیمهٔ دوم قرن بیستم، هنگامی‌که مفهوم پدیدارشناسی را وارد معماری کرد، مفهوم جدیدی را به وجود آورد. این تعریف در درک مفاهیم دیگر معماری فراتر از فراهم آوردن سرپناه بود و در حالی مطرح شد که آن زمان، درک و مفهوم از معماری، خلق فضاهای مناسب بود. در این رابطه، از روح مکان (genius loci) سخن به میان آورده شد. با توجه به تعاریف شولتز و مفاهیم آن، هویت معماری و روح مکان، در چهار دسته کیهانی، کلاسیک، رمانتیک و ترکیبی، تقسیم‌بندی می‌شود (جدول ۱و۲).

اما شولتز در نظریه‌ای بیان کرد که شهرهای اسلامی به علت فرهنگ‌هایشان، همگی، در دستهٔ کیهانی طبقه‌بندی می‌شوند (Shirazi 2009) و این در حالی است که کشورهای اسلامی در اقلیم‌های متفاوت قرار دارند و شهرها با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی می‌توانند در هرکدام از چهار دستهٔ شولتز قرار گیرند. درواقع، شهرهای اسلامی همگی، یک روح یکسان ندارند و با توجه به این‌که اسلام یکی از مهم‌ترین عواملی است که به‌محض ورود به شهر، تأثیرات خود را گذاشته است، عوامل مختلف دیگری هم به نظر می‌رسند که بر هویت و روح شهرها تأثیرگذار هستند.

ویژگی روح مکان در معماری روم باستان کاملاً مشهود است و ساخت معابد در نقاط خاص، به‌عنوان مثال ساخت معبد آکروپلیس بر فراز کوه مقدس آکروپلیس (Loukaki 1997) مُهر تائید بر این فرضیه است. در معماری ایران باستان، الگویی مانند این نظریه مشاهده‌شده است. به‌عنوان مثال، می‌توان به ساخت هفت آتشکدهٔ ساسانی در دامنهٔ هفت کوه خاص در کشور و یا ساخت کاخ تخت جمشید بر دامنهٔ کوه رحمت، اشاره کرد. آیا می‌توان اقرار کرد که اعتقادات

جدول ۱: عناصر پایه‌ای و عامل غالب، در سه چشم‌انداز رمانتیک، کیهانی و کلاسیک

Table 1: Basic Elements and Dominant Factor in Three Romantic, Cosmic and Classical Perspectives

روح مکان	عامل غالب
چشم‌انداز رمانتیک	زمین
چشم‌انداز کیهانی	آسمان
چشم‌انداز کلاسیک	زمین و آسمان

جدول ۲: محصوریت و درجهٔ گشودگی در معماری، در سه الگوی شهر رمانتیک، کیهانی و کلاسیک

Table 2: the confinement and degree of openness in the architecture of the three patterns of romantic, cosmic and classical city

روح مکان	عامل غالب
معماری رمانتیک	برون‌گرایی طبیعی
معماری کیهانی	درون‌گرایی
معماری کلاسیک	هم برون‌گرایی و هم درون‌گرایی

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

رومیان به خدایان طبیعت با الگوهای طبیعی در ایـران قبـل از اسلام یکی بوده است؟

تحقیـق شـولتز اگرچـه از بُعـد هـدف، مبـانی و روش، قابل‌اعتنا محسوب می‌شود ولی ارزیـابی درسـتی از شـهرهای اسلامی ارائه نداده و تفسـیر ناقصـی از محتـوا و کالبـد شـهر اسلامی بیان کرده است. در این مقاله سعی شده است تا نقدی بر نظریهٔ روح مکان شولتز، در رابطه با شـهرهای اسـلامی بـا تفکیک رابطهٔ دین و جغرافیا انجام‌شود و این نگاه که هر دین، مختص هر مکان است، موردنقـد قـرار گیـرد و بـر طبـق آن، نظریه‌ای جدید، بر مبنای نظریهٔ روح مکان وی، بیان شود.

۱. پیشینهٔ پژوهش

شهرها نماد غلبهٔ انسان بر طبیعت هستند که انسان همـواره بـا ایجاد تغییر به آن، شهر را شکل داده است (Benton & Short 2008). رابطهٔ طبیعت با شهرسازی، مفهومی است کـه از قـرن بیستم موردتوجه قرارگرفتـه اسـت ولـی قبـل از آن، رومیـان باستان چنین مفهومی را مطرح کرده و معتقـد بودنـد کـه هـر مکان بر اسـاس ویژگـی‌هـای آن، روح مخـتص خـود را دارا اسـت (Nikravesh Ghasemi Sichani 2014). در دوران روم باستان، تئوری روح مکان بـه‌عنـوان محـافظی از روح منطقـه شناخته می‌شد اما این تئوری امروزه برای مشخص‌کردن جـو منطقه یا الهام از آن، در معماری مدرن استفاده می‌شود که این مسـئله هنـوز نـاچیز شـمرده مـی‌شـود (Vittori 2006). روح مکان، حس تداوم و صحت مکان خـاص اسـت و اصـول آن به‌طور ویژه، در طراحی شهری و شهرسازی استفاده می‌شـود (Tomich 2002).

مایکل مونینگر، در سـال ۱۹۹۳ مـیلادی، بیـان کـرد کـه شهر، واقعیتی فضایی با پیامدهای جامعه‌شناختی نیسـت بلکـه واقعیتی شناختی است که حدود فضـایی بـه خـود مـی‌گیـرد (Moninger 1993)؛ امـا تئـوری علـم شهرسـازی حـدود ۵۰ سال است که دچار تغییر شده است. تعاریف قدیمی این امـر، شامل تحلیل شهرهای تاریخی می‌شد که آن‌ها را مانند منـاطق طبیعی در نظر می‌گرفته و توسعهٔ آن‌هـا، بـر اسـاس الگوهـای طبیعت توسط انسان انجام می‌شده است. تعـاریف جدیـد در این علم که توسط طراحان شهری صورت می‌گیـرد موضـوع اصلی شهر هویت و تاریخ شهری است کـه توسـعهٔ شـهر بـر طبق این نظریه صورت گیرد. شولتز، در حـالی ایـن نظریـه را مطرح می‌کند که بیشتر شهرهای اسلامی به بهتـرین شـکل در درک متقابل بـا محـیط طبیعـی خـود هسـتند و بـا آن ادغـام شده‌اند. شـهر اصـفهان، یـک نمونـه اسـت کـه بـا توجـه بـه تحولات آن در دوران صـفویه، بـر اسـاس ایـدهٔ روح مکـان، به‌عنوان یک شهر ایدئال ایرانی–اسـلامی، مطـرح‌شـده اسـت (Shirazi 2009).

علاوه بر رابطهٔ رفتار انسان با محیط، در مقالهٔ حمـزه‌نـژاد تفتـی و نقـره‌کـار (Noghrekar & Hamzenejad 2012)، ویژگـی‌هـای چهـار روح بیـان‌شـده در تئـوری روح مکـان مطرح‌شده است. در قسمتی دیگر از همین مقالـه، بـه حضـور ریشـه‌هـای نظریـهٔ روح مکـان در فلسـفهٔ باسـتانی اسـلامی اشاره‌شده است. با توجه به برخی از نظریات، ایـن روش کـه معماری را فقط از منظر مادی و جسمی بررسی کنـیم، هـم از دیدگاه پدیدارشناسی و هم اسلامی رد شده محسوب می‌شود.

محققانی همچون نادر اردلان، نظریات مشابهی همچـون روح مکان را در شهرهای ایران مطرح کرده‌اند. اردلان، معتقد است که نظام شهرسـازی در شـهرهـای اسـلامی بـر اسـاس الگـوبرداری‌هـای طبیعـی و هندسـی در شـهرهای مختلـف، متفاوت است (Ardalan 2001) مسئلهٔ روح مکان، امـروزه بـه موضوع پراهمیتی در تمام دنیا تبدیل‌شده است، بـه‌طـوری‌کـه سالانه تحقیقات متعددی در رابطه با جزئیات این نظریه ماننـد درک فضـا (Cui & Ryan 2011 Garrod 2008) اسـتفاده از طبیعت (Rakić & Chambers 2012) نقاط ارتباطی بـا محـیط طبیعـی (Strzelecka et al. 2017; Wantanee & Jachna 2016) هویت محیط طبیعی (Dimache et al. 2017; McCabe (2004)، نقش روح مکان در تغییـر کـاربری منطقـه (Cantu Delgado 2008)، آگاهی از محیط (Ram et al. 2016) مطـرح می‌شود. همچنین تحقیقاتی در راستای این پرسش کـه حـس مکان شامل چه چیزی مـی‌شـود، هـم صـورت گرفتـه اسـت (Chapin et al. 2015; Mullendore et al. 2015).

از وقتی راه‌های درک رابطه بین مکان صـنعتی و طبیعـت

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

در تحقیق (Mullendore et al. 2015) بیان شد، باوجوداینکه واقعیت روح مکان، الهام‌بخش معماری معاصر بوده است (Mullendore et al. 2015) این موضوع، به حس یگانگی یک مکان و وجود روح در یک مکان ارجاع داده می‌شود. شولتز، در سال ۲۰۱۷ میلادی، در کتابی در رابطه با روح مکان مطرح کرده است که چرخهٔ انرژی در طبیعت، از ماده به انرژی و معکوس آن است که این چرخه، خود ترغیب‌کنندهٔ باز کشف حس مکانی (روح مکان) تازه‌ای در هر منطقه است که منجر به به‌روز شدن طراحی می‌شود (Norberg-Schulz and Seyler 2017). درنهایت، با گذشت زمان نظریهٔ روح مکان در حال تبدیل شدن به نظریه‌ای تخصصی است و موضوعات مطرح‌شده در این زمینه، در طی سالیان اخیر بسیار جزئی‌گرا شده است. موضوعاتی همچون تأثیر روح مکان در طراحی موزه بر میدان دید (Chen et al. 2019) و تأثیر genius loci بر گردشگری منطقه‌ها (Christou et al. 2019)، نمونه‌هایی از این موارد هستند.

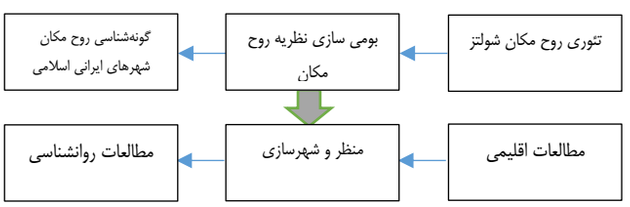
۲. روش پژوهش

برای رسیدن به هدف تحقیق، روش میان‌رشته‌ای به‌صورت مطالعات کیفی، پدیدارشناسی و کتابخانه‌ای انجام‌شد تا مطالعات اقلیمی، منظر و شهرسازی را با تأثیرات روان‌شناسی مرتبط کند و درنهایت، به روح مکان موجود در شهرهای ایرانی–اسلامی دست‌یابد؛ بنابراین، ابتدا تئوری روح مکان شولتز، موردبررسی قرار می‌گیرد. این نظریه یک بُعد ساختاری و کالبدی دارد که از طریق آن الگوهای چهارگانهٔ کالبدی شهری و معماری معرفی‌شده‌اند و از آن به‌عنوان ابزار تحلیلی استفاده‌شده و هویت شهرهای ایرانی –اسلامی بررسی و تطابق‌سنجی شده است. بررسی‌ها با توجه به گونه‌شناسی این شهرها و بر اساس کتاب مفهوم سکونت شولتز، از دو منظر موضع‌شناسی و سیماشناسی صورت می‌گیرد و این ابعاد، ساختار مطالعه را غنی‌تر می‌کند. این تحقیق، بررسی بُعد روانشناسی را به مطالعات بعدی در این زمینه، می‌سپارد و بیشتر بر بُعد اقلیمی آن، تمرکز دارد (نمودار ۱).

۳. پدیدارشناسی و فلسفه روح مکان

بابت بابیچ، معتقد است علم فلسفه در دنیای امروزی به چهار بخش تقسیم می‌شود: ۱) فلسفه علم تخلیلی ۲) فلسفه علم هرمنوتیک ۳) فلسفهٔ علم پدیدار شناخت ٤) رویکردی ترکیبی از دو رویکرد هرمنوتیک و پدیدار شناختی (Malayeri 2009).

پدیدارشناسی ازنظر لغوی، عبارت است از مطالعهٔ پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آنان با در نظر گرفتن نحوهٔ بروز تجلی آن‌ها، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزش. هوسرل، نیز که به‌عنوان بنیان‌گذار نهضت پدیدارشناسی معروف است، معتقد است که پدیدارشناسی در اصل، روشی است بر پایهٔ تجربه جهانی که در آن زندگی می‌کنیم و به‌منظور بازسازی آن در سطحی متعالی پدید می‌آید و علمی مطلقاً نفسانی و مربوط به فاعل حسی و ادراکی است. پس از تقسیم‌بندی محیط‌زیست شهری به دو گونهٔ هستی طبیعی و هستی مصنوع دست بشر، شولتز، بنا به رویکرد توصیفی، به گونه‌شناسی آن‌ها بر مبنای دو موضوع سیماشناسی و موضع‌شناسی پرداخته و بر این اساس آن‌ها را در چهار دسته چشم‌انداز کلاسیک، رمانتیک، کیهانی و مرکب



نمودار ۱. روش‌شناسی بررسی نمونه شهرهای ایرانی اسلامی بر اساس تئوری روح مکان شولتز در چهار الگوی رمانتیک، کیهانی، کلاسیک و مرکب
Chart1: Methodology of Examining Samples of Islamic Iranian Cities Based on genius loci in Four Patterns of Romantic, Cosmic, Classical and Composite City

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

بررسی کرده است. سیماشناسی (morphology) به چگونگی شکل مصنوع مربوط است و موضع‌شناسی (topology) با نظام فضایی در رابطه قرارمی‌گیرد. شولتز معتقد است که همواره نسبت مشخصی از همخوانی و همسازی میان مکان و ساکنان آن وجود دارد. او که برای هر مکان حس و حالی ویژه قائل است، باور دارد هر مکان، روح ویژهٔ خود را دارد ولی بااین‌حال از روی شباهت‌ها می‌توان آن‌ها را در چهار دستهٔ اصلی فوق، طبقه‌بندی کرد (Pakzad & Jahansah 2011).

۳-۱. مکان

مکان بخشی از فضا محسوب می‌شود که به‌واسطهٔ عناصر و عواملی خاص، صاحب هویتی منحصربه‌فرد و تکرارناپذیر می‌شود. شولتز می‌گوید: "خاصیت معماری این است که جایی را به مکان تبدیل کند؛ این به معنی به فعل درآوردن محتوای بالقوه محیط است" (Sarmast & Motevaseli 2002).

در حقیقت، پیش از ورود انسان به فضا مکان، با هویت طبیعی آن وجود داشته و قابل‌تعریف است. ورود انسان به هر محیط طبیعی متناسب با آن محیط، شخصیت انسانی خاصی به آن می‌دهد که مکان طبیعی را به مکان انسانی تبدیل می‌کند. امروزه گسترش رویکرد ماشینی مدرن، سبب شده است تا فضاهای بی‌هویت و غیر مکانی (چه طبیعی و چه انسانی) گسترش یابد.

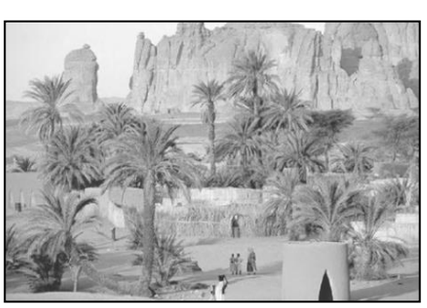
۳-۲. روح مکان (GENIUS LOCI)

مکان پدیدارشناسی دارای خصیصه‌هایی، ازجمله روح مکان است. روح هر مکان، در چشم‌انداز آن منعکس می‌شود؛ یعنی شرایط مکانی قبل از هر چیز، ابتدا در چشم‌انداز آن بازتاب می‌یابد (Mahmodinejad & Bemaniain 2000).

شولتز، معتقد است هرگاه فرم و فضا در کار آشکار کردن روح مکان، در کار آورده شوند، مکان با تمام موجودیت خود بر انسان ظهور می‌کند و باوجود او درگیر می‌شود؛ گویی که وجود او را بر خودش آشکار می‌کند (Raesi & Eshghi Sanaati 2012).

در روم باستان برای هر منطقه با عوارض طبیعی رود، کوه، دریا و درّه، روح و خدای متفاوتی وجود داشت که در آن منطقه ساکن بود و روح او در آنجا بهتر حس می‌شد. معنای روح مکان در روم باستان برای مکان‌های مقدس و خدایان یا مکان‌های معابد خدایان استفاده می‌شده و اثر ظاهری منطقه است که به کمک عناصر ظاهری نمایش داده می‌شود(Loukaki 1997). پدیدارشناسان این تأثیر را به‌عکس مطرح می‌کنند و معتقد هستند که هر منطقه قابلیت تجلی جلوه‌ای خاص از خدا را از طریق قابلیت‌های طبیعی خود دارا است. به‌این‌ترتیب حتی اگر بینش چندخدایی روم باستان را هم نداشته باشیم، می‌توانیم تفسیری از روح مکان سازگار با بینش اسلامی را ارائه دهیم.

چگونگی گسترش در اصل به طبیعت، بستر و زمینه، یا به شرایط عوارض طبیعی زمین وابسته است. در یک بستر صاف و هموار، گستردگی، عام و بی‌پایان است، اما معمولاً تغییرات برجستگی سطوح، به‌وجودآورندهٔ جهت‌ها و تعیین‌کنندهٔ فضاها هستند. به‌واسطهٔ تعامل سطوح، برجستگی‌ها، رستنی‌ها، آب، کلیت‌های ویژه یا مکان‌ها که به وجود آورندهٔ عناصر پایه‌ای چشم‌انداز هستند، به وجود می‌آیند (تصویر ۱و۲). مکان انسان‌ساخت فهم او از محیطش را نمایان می‌سازد. به‌واسطهٔ ساختن، مکان‌های انسان‌ساختی خلق می‌شوند که روح مکان ویژهٔ خود را دارند. در معماری بومی، روح مکان انسان‌ساخت باید به‌خوبی پاسخگوی مکان طبیعی خود باشد. کیفیت و خصلت آن تا حدود زیادی به‌واسطهٔ



تصویر ۱: شهر کویری در خارج ایران. جهت‌یابی و تصویرسازی توسط عناصر فضایی ساده‌ای که طبیعت آن‌ها را عرضه می‌دارد، تسهیل می‌شود. (Noghrekar 2012)

Fig.1: Desert city outside Iran. Orientation and visualization are facilitated by simple spatial elements that nature offers (Noghrekar 2012)

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]



تصویر ۲: شهر کویری نائین در ایران. در این شهر، بناهای کوتاه با گستردگی افقی وجود دارند و سایت و محل (شن بیابان) ظهور و نمود عینی دارد.

Fig. 2: The desert city of Nain in Iran. There are short buildings with horizontal expanse and the site and the place (desert sand) have an objective appearance.

محصوریت و درجهٔ گشودگی آن معین می‌شود (Shirazi 2009).

۳-۳. تفسیرهای روح مکانی شهر اسلامی

شهر اسلامی از یک زاویه، دارای روح و ماهیتی ثابت است که در هر زمان و مکان می‌تواند تجلی یابد. روحی که از هویت الهی و اجتماعی اسلامی ایجادشده است. به عبارتی شهرهای اسلامی دارای ماهیتی بالقوه و دینی هستند که می‌توانند در هر زمان با توجه به شرایط، تجلی یابند (Ghorbani et al. 2018)؛ اما از زاویه‌ای دیگر دارای ماهیتی تطابق‌پذیر با شرایط محیطی هستند که با توجه به طبیعت و اقلیم، شکل می‌پذیرند که می‌توان آن را بُعد زمینه‌گرا نامید که بُعدی مشترک و مطلق اسلامی است. شهر اسلامی با شهر مسلمانان متفاوت است. شهرهای اسلامی، شهری است که در آن احکام اسلامی جاری و ساختار آن بر اساس فرهنگ اسلامی باشد. در الگوی شهرهای اسلامی، عامل مسلّط، دین اسلام است و تمام شاخص‌ها و عناصر زندگی اجتماعی و کالبدی شهر بر اساس این عامل، نظام و هویت یافته است. این در حالی است که شهر مسلمان شهری است که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند. به عبارتی ساده‌تر، ابتدا مردم مسلمان بودند و سپس شهری شکل‌گرفته است. شهر اسلامی در ابتدا با نفوذ در تمدن‌های دیگر با تجلی یافتن در جلوه‌ها نمود پیدا می‌کند تا نیازهای اولیه جوامع را پاسخ دهد (Khodaee & Taghvaee 2011). بر طبق نظریهٔ روح مکان شولتز، تجلی اصلی همهٔ شهرهای اسلامی، روح کیهانی است. در توصیف او، شهر اسلامی متشکل از ترکیبی از فضاهای هندسی و هزارتو است. درحالی‌که بناهای عمومی اصلی مبتنی بر شبکه‌ای متعامد است (مسجد، مدرسه و ...) و بخش‌های مسکونی هزارتو هستند، واقعیتی که بیان‌کنندهٔ منشأ بیابانی فرهنگ اسلامی و نیز ساختار اجتماعی قرارگاه عربی است.

شهر اسلامی از قواعد محیط طبیعی پیروی می‌کند، میان نیروهای طبیعی و فرهنگی تعامل وجود دارد و مناطق جغرافیایی با روابط اقلیمی، قومی و فرهنگی تلاقی دارند. روابط بیرونیِ والا و عظیم با درون‌گرایی تلفیق شده است و رابطهٔ متقابل و متعامل بین سکونتگاه درون‌گرا و محیط بی‌کران و مطلق وجود دارد. بی‌کرانگی و قدرت عظیم و شکل گنبدی آسمان احاطهٔ کاملی بر محیط زندگی انسانی دارد. جهت‌یابی و تصویرسازی، توسط عناصر فضایی ساده‌ای که طبیعت آن‌ها را عرضه می‌دارد، تسهیل می‌شود. بناهای کوتاه با گستردگی افقی وجود دارند و سایت و محل (شن بیابان)، ظهور و نمود عینی دارد. کیفیت قوی مکان، سازمان‌دهی فضایی تصورپذیر، خوانا و معنادار در شهر اسلامی موجود است.

شولتز، شکل محیطی و معماری بیابانی اعراب را در پیوند عمیق و سازندهٔ جهان‌بینی عربی اسلامی و مظهر لا اله الا الله معرفی می‌کند. چنین محیطی، خدایی قاهر و مقتدر و بی‌همتا (واحد) را که به‌خوبی در مظهریت اسم محیط، خود را جلوه داده است، برای انسان معرفی می‌کند. چیزی که به‌زعم او هرگز در روح مکان رمانتیک و کلاسیک قابل‌مشاهده نیست (Shirazi 2009). سخن فوق، قابل تفسیر پدیدارشناسانهٔ توحیدی است ولی آشکارا ادعایی را در مورد اسلام مطرح کرده است که نوعی سطحی‌نگری و تقلیل را در خود دارد. اسلام، زاییدهٔ عربستان و کویر نیست ولی می‌توان گفت که به خاطر ظرف ظهوری آن، چنین ادبیات و بیانی یافته و پس از گسترش در هر منطقه، به زبان آن منطقه تفسیر شده است.

از سویی دیگر، به نظر می‌رسد توصیف شولتز تا حدودی ناقص و یک‌سویه است و تبیین برخی دیگر از

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

محققان ازجمله نادر اردلان، از تنوع سه‌گانه‌ای مشابه شولتز، برای شهرهای اسلامی، با حقیقت سازگارتر است. به گفتهٔ اردلان، توسعهٔ اصول اسلامی برای تبیین وحدت، از راه سازمان‌بندی اشکال و فضاهای کمّی و کیفی در قرارگاه‌های انسانی، پذیرای سه نظام مشهود نظم آفرینی بوده است؛ طبیعی، هندسی و هماهنگ. آدمی با این سه راه بنیادی، به محیطش شکل می‌دهد:

۱) نظم طبیعی: بادیه‌گردان و روستائیان، که از دیگران به طبیعت نزدیک‌تر هستند، نظم و انتظام طبیعی را گسترش دادند. کوه‌ها، دره‌های عمیق، بستر رودخانه‌ها یا فراز و نشیب سرزمین‌ها، همگی در حد مرزهای طبیعی هستند که انسان در آن‌ها نظام‌هایی را به وجود می‌آورد.

۲) نظم هندسی: به‌مثابه گونه‌ای وحدت با نظم کهن‌ترین شهرهای آدمی مرتبط است. پیشرفت از نظام‌های غریزی یا ناخودآگاه نظم‌آفرینی تا نظام‌های مبتنی بر هندسه، خود، فرآیندی آگاهانه بود. این نظم، احداث شهرهای کاملاً جدید را ایجاب کرد که در مواضعی دست‌نخورده یا باستانی برپا می‌شدند. در این شهرها، نقش‌های کاملاً هندسی، خطوط نیرومندی را پدید می‌آوردند که هیچ‌گونه مانعی را نمی‌شناخت.

۳) نظم هماهنگ: موجد شکل‌های هندسی‌ای است که در چارچوب یک هندسهٔ فراآگاهانه در الگوهای طبیعی با یکدیگر پیوندیافته‌اند. ذهن فکور از کثرت، بار وحدت می‌گیرد و از وحدت، بار کثرت. ایرانیان در تجلیل از مفهوم توحید به نظمی شاعرانه رسیده‌اند و از رهگذر نظم هماهنگ به پایهٔ برتری از تحقق معنوی ارتقا یافته‌اند (Ardalan 2001).

بسیم سلیم حکیم، ازجمله محققان است که تلاش کرده است تا برخی از اصول معماری و شهرسازی را ازنقطه‌نظر اسلام، استخراج و در کتاب خود بیان کند. به گفتهٔ وی، دین اسلام از قلب سرزمین عربستان به سنتی بسیار قوی در سطوح مختلف حیات اجتماعی ازجمله امور ساختمان‌سازی ظهور یافت (Hakim 2002). در نظر حکیم، ریشه‌های نظم و یکپارچگی موجود در اکثر شهرهای جهان اسلام، عمدتاً به دلیل ارتباط بخش‌ها و ترکیب نظام‌مند ناشی از آن، قابل‌استفاده است که به‌واسطهٔ مجموعه‌ای از راهبردها و اصول ساختمانی به وجود آمده‌اند و حفظ می‌شوند. وی معتقد است که نظام ارزشی که از آن، در ساخت‌وساز و توسعهٔ شهری بهره گرفته می‌شود، از تفسیر فقه حاصل می‌شود. به همین دلیل، اکثر شهرهای اسلامی جهان که ساکنان آن مسلمان هستند، هویت اسلامی مشترک دارند (Danesh 2012). سلیم حکیم، معتقد است که شهرهای اسلامی، بر مبنای اصول اسلام ساخته شده و توسعه‌یافته‌اند ولی این ساخت‌وساز به افراد بومی هر منطقه سپرده‌شده که فرهنگ بومی هر منطقه نیز بر این روند تأثیر گذاشته است. درواقع، وی تأثیر اسلام و تأثیر فرهنگ منطقه را باهم، مؤثر می‌داند.

اردلان، سه مدل الگوی خود را سه مرتبهٔ تحقق حقیقت و یا تکامل تدریجی معرفی می‌کند و نه سه مرتبهٔ هم‌عرض. می‌توان تناظر تقریبی بین تقسیم‌بندی سه‌گانهٔ او و شولتز از شهرها را به گونهٔ زیر مشاهده کرد (جدول ۳). شولتز، شهر خارطوم را دارای روح مکان کیهانی ولی نظم ترکیبی می‌دانست و این، تعارضاتی را در سخنش نشان می‌دهد (Shirzai 2009). نظم کیهانی او بیش از آنکه در شهرهای اسلامی ظهور کند، در شهرهای هندسی و منظم رومی نمود داشته است و او خود، به همین مطلب اذعان دارد.

جدول ۳: مقایسهٔ انتظام بافت شهر در دیدگاه شولتز و دیدگاه نادر اردلان، تطابق آن‌ها و نمونه‌های موردی

Table 3: Comparison of texture of the city in Schultz's view and Nader Ardalan's view, their correspondence and the desired examples

نمونه شهر اردلان	دیدگاه اردلان	دیدگاه شولتز	نمونه شهر شولتز
روستاها و شهرهای شمالی	نظم طبیعی	رمانتیک، نامنظم	پراگ
بغداد، هرات	نظم هندسی	کیهانی، منظم و لابیرنتی	خارطوم
اصفهان	نظم هماهنگ	کلاسیک، مرکب	یونان و روم

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]



تصویر ۳و۴: پراگ، گرگان (گلستان). چشم‌انداز رمانتیک را تعدد بی‌پایان مکان‌های مختلف تشخص می‌بخشد. انسانِ شهر رمانتیک باید همراه با طبیعت و با صمیمیت زندگی کند.

Fig. 3,4: Prague, Gorgan (Golestan). The romantic perspective is characterized by the endless multiplicity of different places. The romantic city man must live with nature and intimacy

٤. موضع‌شناسی و سیماشناسی در شهرهای اسلامی

٤-١. انتظام بافت شهرهای اسلامی

در مورد سازمان‌دهی فضایی احجام ساختمانی و معابر، باید افزود که شهر اسلامی فاقد نظم نیست، ولی نظم آن بیولوژیک و ارگانیک است. هندسه و نظم شهر، مرحله‌به‌مرحله در طول رشد آن تعیین می‌شود. پل وارد انگلیش می‌گوید: "در باب ایران، طرح هزارتو وار خیابان‌ها، نشانهٔ ممیزهٔ شهر اسلامی دانسته شده است (Bagheri 2007).

حضور فرهنگ اسلامی در اقلیم‌ها و سرزمین‌های مختلف و نیز امکانات نامحدود ترکیب و تلفیق فرهنگ بومی با فرهنگ اسلامی، به عرضهٔ نوعی وحدت در بسیاری از مفاهیم و مظاهر شهری در آنجا منجر شده است. از سویی دیگر تاریخ، موقعیت جغرافیایی و تنوع قومی، اختلافاتی را نیز در این پدیده‌های شهری به وجود آورده‌اند. اگرچه برخی از این فرهنگ‌ها به سنت‌های شهرنشینی دوران باستان نیز مجهز بودند که این خود تأمل‌برانگیز است (Coelho 2005).

رعایت اصل درون‌گرایی در بناها که تحت تأثیر عوامل متعدد ازجمله اقلیم، جغرافیا و امنیت رعایت می‌شد، به سبب انطباق با اصل حرمت خانواده در اسلام، مورد تأئید و تشویق قرار گرفت و کاربرد این اصل، در عموم فضاهای معماری و شهری، در پیدایش بافت‌های متراکم و پیوستهٔ شهری مؤثر بوده است. حیاط مرکزی، معنا و مفهومی دارد که از جهان‌بینی و توجه به درون و درون‌گرایی و خودشناسی و خودسازی برای عروج، نشأت گرفته است. در شهرهایی که در مناطق سردسیر حاشیهٔ شمالی جهان اسلام واقع‌شده‌اند، موقعیت اقلیمی باعث شده است که حفظ محرمیت فضای خصوصی بر شکل خانه‌های رو به معبر، مقدور شود (تصاویر ۳و٤) (Bagheri 2007).

در معماری اسلامی، چهار عامل مهم تعیین‌کننده است: شرایط آب و هوایی، مواد و مصالح محلی، فرم‌های سنتی، شیوهٔ زندگی و ارزش‌های اسلامی و اجتماعی، درحالی‌که ترکیب اجتماعی شهر ایرانی، هماهنگ با نیازهای اسلامی است. مورفولوژی طبیعی آن تا حدود زیادی پاسخ منطقی فرهنگی به محیط طبیعی به‌ویژه توپوگرافی و اقلیم فلات ایران است (Bagheri 2007).

هویت شهر اسلامی بیشتر در نحوهٔ به‌کارگیری و ترکیب عناصری که پیش از آن نیز وجود داشته‌اند، نهفته است. آنچه به بنیان شهر اسلامی صبغهٔ اسلامیت می‌بخشد، روح معنوی و ندای تولیدی است که به خلق مفاهیمی ناب و خاص در کالبد شهرهای مختلف اسلامی نائل‌آمده است. این وحدت، در بافت‌های باز و بسته، گونه‌های درون‌گرا و برون‌گرا و شهرهای آزادتر و منظم‌تر دیده می‌شود (Hakim 2002).

در شکل‌گیری شهرهای اسلامی عوامل متعددی تأثیرگذار هستند که می‌توان آن‌ها را در دسته‌بندی زیر طبقه‌بندی کرد:

– عوامل طبیعی: عواملی هستند که در شکل‌گیری شهرها دخیل هستند مانند اقلیم، نظام ناهمواری‌ها، مواد و مصالح و... بدیهی است که در بسیاری از نمونه‌ها شباهت‌های عوامل طبیعی سبب شباهت شهرها باهم شده باشد.

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

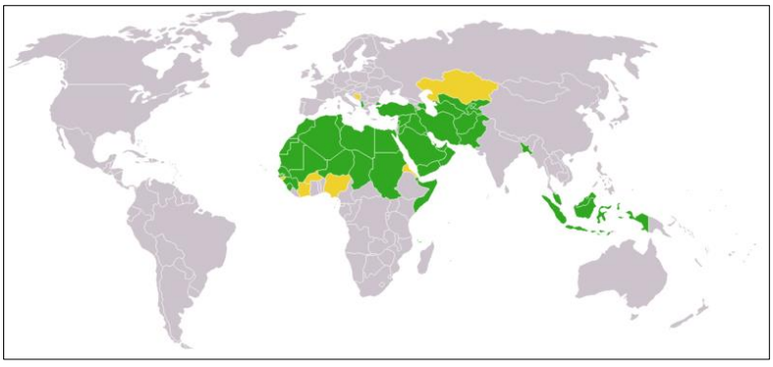
– عوامل مصنوعی: عواملی جدا از عوامل طبیعی هستند که خود، دو دسته دارند:

دستهٔ نخست، عوامل مؤثر در فیزیک و صورت شهر هستند، عواملی مانند تکنیک‌های ساخت‌وساز ابنیه، شهرها و قواعد و قوانین ساخت و اصول الهام گرفته‌شده از شریعت و فقه اسلامی که می‌توانند حاوی دستورالعمل‌هایی برای ساخت باشند.

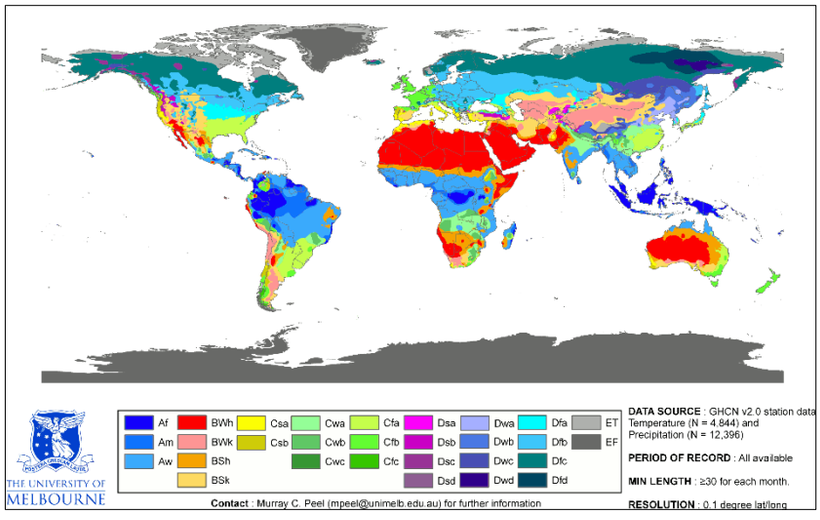
دستهٔ دیگر، عوامل مؤثر در بنیاد و باطن شهر هستند، آنچه به بنیان شهر اسلامیت می‌بخشد، تنها رعایت نکات فقهی و مفاهیمی مانند سلسله‌مراتب شهری، وحدت، بافت شهری، عدم تمایز اجتماعی و... در این حوزه تعریف می‌شوند (Danesh 2012).

٤-٢. گستردگی جغرافیایی و اقلیم شهرهای اسلامی

وسعت منطقهٔ اسلامی از اقیانوس اطلس تا دریای چین، از خلیج گینه تا آسیای مرکزی، از بالکان تا اندونزی، از شاخ آفریقا تا خلیج بنگال است. جهان اسلام و همچنین کشور ایران ویژگی‌های آب و هوایی متنوعی دارند که برآیندی از تأثیر سرنوشت‌ساز عوامل اقلیمی است. چهرهٔ طبیعی و آب‌وهوای متنوع جهان اسلام، پیامدهای متناسب با ویژگی‌های هر را منطقه داشته است، ازجمله در زمینهٔ پوشش گیاهی و جانوری، جمعیت‌پذیری و اقتصاد (تصاویر ٥ و ٦) (Coelho 2005).



تصویر ٥: وسعت جغرافیایی جهان اسلام
Fig. 5: The geographical area of the Islamic world



تصویر ۶: پهنه‌بندی اقلیمی جهان. جهان اسلام و همچنین کشور ایران ویژگی‌های آب و هوایی متنوعی دارد (Peel et al. 2007).
Fig. 6: Climate zoning of the world. The Islamic world, as well as Iran, has a variety of climatic characteristics.

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

۵. بررسی شهرهای ایرانی- اسلامی

با توجه به مطالعات انجام‌شده توسط اسلام‌شناسان، جغرافی‌دانان، شهرسازان و معماران، مهم‌ترین اصول شهرسازی در شهرهای ایرانی- اسلامی چهار عامل شناخته‌شده است. این چهار عامل، مسجدمحوری، درون‌گرایی، محله‌محوری و طبیعت‌گرایی هستند که سبب بروز مفاهیمی چون ارتباط انسان با خدا، ارتباط انسان با خودش، ارتباط انسان با جهان هستی و ارتباط با همنوعان خود می‌شوند. شهرهای ایرانی اسلامی از بُعد زمین‌گرایی باهم متفاوت هستند. عامل اصلی تعیین‌کنندهٔ این دیدگاه، ارتباط شهرسازی با طبیعت است. اصل طبیعت‌گرایی که یکی از چهار عامل اصلی شکل‌گیری شهرهای ایرانی اسلامی است، شامل تفکر در رابطه با طبیعت و عناصر آن و هماهنگی میان اجزای آن است که ازجمله دستورات اسلام برای شناخت خدا است. قرآن تمام طبیعت را یکسره آیه و نشانه برای شناخت ماوراء الطبیعه می‌خواند (Naghizade & Aminzade 2001). نقی‌زاده، در ارتباط بااهمیت طبیعت چنین بیان می‌کند. بسیاری از آیات قرآن و احادیث معصومین به توجه به طبیعت به‌عنوان آیات و نشانه‌های خدا تأکید کرده‌اند. همه این‌ها، نشانه‌های لزوم نزدیکی انسان با طبیعت است تا بتواند از آن بهره ببرد (Naghizade 1999).

با توجه به نظریهٔ روح مکان و تعریف شهرهای ایرانی- اسلامی، می‌توان این نظریه را در بین شهرهای ایرانی-اسلامی بومی‌سازی و روح شهرهای ایران را تعیین کرد و بر مبنای روح مکان، نظریهٔ جدیدی با عنوان روح مکان اسلامی، مطرح کرد.

۵-۱. شهر رمانتیک

با تعریف شولتز از روح مکان رمانتیک، می‌توان برخی از شهرهای اقلیم‌های کوهستانی و جنگلی و حاشیهٔ دریا را دارای روح رمانتیک دانست (تصاویر ۷ و ۸). علی‌رغم وحدت ناشی از فرهنگ اسلامی، تفاوت روح مکان برخاسته از بستر طبیعی این شهرها با شهرهای کویری، امری کاملاً محسوس در این شهرها محسوب می‌شود. این امر نه‌تنها به تفاوت‌های کالبدی این شهرها انجامیده، بلکه حتی در مظاهر فرهنگی و دینی و روحیه و شخصیت فردیِ افراد هم نسبت به شهرهای کویری تفاوت‌های بارزی را ایجاد کرده است به‌طوری‌که می‌توان از روح و شخصیت خاص حاکم بر معماری و شهر در این مناطق سخن گفت (جدول ٤).

۵-۱-۱. اقلیم: معتدل و مرطوب، گرم و مرطوب، سرد و مرطوب

۵-۱-۲. انتظام بافت شهر

فضای رمانتیک توپولوژیک است و نه هندسی. آرایش‌های اصلی عبارت‌اند از دستهٔ متراکم و نامعین و ردیف‌های آزاد و متنوع. فضاهای شهری با محصوریتی نامنظم و وسعت کم معین می‌شوند (تصاویر ۱۲،۱۳و١٤) (جدول ۵).

۵-۱-۳. تعامل آسمان و زمین

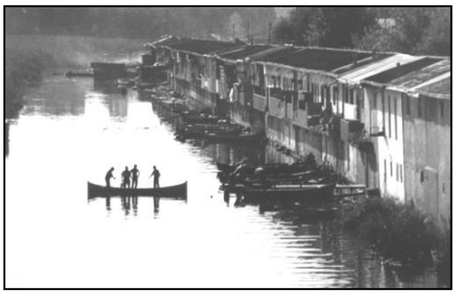
بستر زمین به‌ندرت پیوسته است، اما بخش بخش، به‌نظر می‌رسد و برجستگی‌های متنوعی دارد؛ صخره‌ها و حفره‌ها، بیشه‌زارها و چمنزارها، تپه‌ها و کوهک‌ها جملگی "خُرده ساختار" غنی را به وجود می‌آورند. آفتاب نسبتاً کم است و نمایشی متنوع از نقاط نور و سایه را به وجود می‌آورد. قرارگاه رمانتیک را خط آسمانی مضرّس و بی‌سامان تشخّص می‌بخشد (جدول ۵).

جدول ۴: نمونه شهرهای رمانتیک ایرانی در مقایسه با پیشنهاد شولتز

Table 4: An example of Iranian romantic cities compared to Schultz's proposal

روح مکان	نمونه شولتز	نمونه ایرانی- اسلامی
شهر رمانتیک	شهر پراگ (جمهوری چک) شهرهای اسکاندیناوی باغ‌های ژاپنی	گرگان (گلستان) انزلی، رشت، لاهیجان (گیلان) تنکابن، ماسوله (مازندران) پل‌دختر (لرستان) یاسوج (کهکیلویه و بویراحمد)

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

تصویر ۷ و ۸: پراگ، بندر انزلی (گیلان). در هردو شهر، آب، پستی‌های زمین را پرکرده و انسان در تقابل با آب فضای زندگی خود را شکل داده است.
Fig. 7,8: Prague, Bandar Anzali (Gilan). In both cities, water fills the earth's crust, and man has shaped his living space in opposition to water.

۵-۱-٤. چشم‌انداز و طبیعت

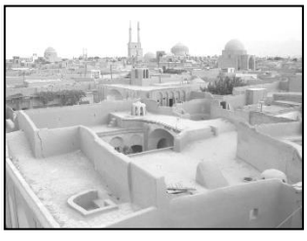
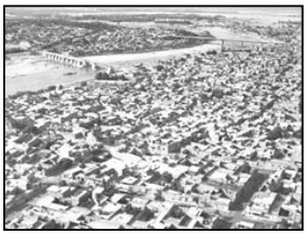
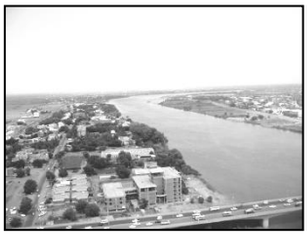
چشم‌انداز رمانتیک را تعدد بی‌پایان مکان‌های مختلف، تشخّص می‌بخشد. انسان همراه با طبیعت و با صمیمیت زندگی می‌کند. بدین‌سان مشارکت مستقیم، مهم‌تر از انتزاع عناصر و نظم است (جدول ۵).

۵-۱-۵. تأثیر در مکان، معنا و روح

برون‌گرایی طبیعی، معنای باشیدن: حرکت از سطح خُرد به کلان (از مصداق به مفهوم)، معنویت: خدا پنهان است (تصاویر ۹، ۱۰ و ۱۱) (جدول ۵).

جدول ۵: نتایج بررسی‌ها در شهر رمانتیک
Table 3: The results of studies in the romantic city

روح مکان شهر	انتظام بافت شهری		تعامل آسمان و زمین		چشم‌انداز و طبیعت		تأثیر در مکان، معنا و روح		
	انتظام بافت شهر	محصوریت و وسعت	تعامل آسمان و زمین	خط آسمان	چشم‌انداز	ارتباط با طبیعت	تأثیر در مکان	معنای باشیدن	معنویت
رمانتیک	نامنظم توپولوژیک	کم	زمین غالب است	مضرس بی‌سامان	کثرت	همدلی با اجزای طبیعت	برون‌گرایی طبیعی	حرکت از سطح خُرد به کلان (از مصداق به مفهوم)	خدا پنهان است

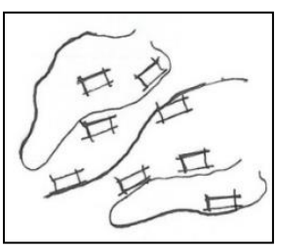




تصاویر ۹،۱۰ و ۱۱: خارطوم (سودان)، دزفول (خوزستان)، یزد (یزد)، در شهرهایی همچون خارطوم و دزفول و شوشتر و... علی‌رغم وجود رودخانه در شهر، بافت، همان خصلت رو به درون خانه‌ها را دنبال می‌کند و چندان برون‌گرا نیست. غلبهٔ اصلی با آسمان است و فرم گنبدی بام خانه‌ها و فرار عمومی از آفتاب، وجوه مشترک زیادی بین این شهر و شهرهای کویری ما همچون یزد، ایجاد کرده است.
Fig. 9,10,11: Khartoum (Sudan), Dezful (Khuzestan), Yazd (Yazd), in cities such as Khartoum, Dezful and Shushtar, etc. Despite the existence of a river in the city, the texture is the same He follows the houses inwards and is not very extroverted. The main dominance is with the sky, and the dome-shaped roof of the houses and the general escape from the sun have created many commonalities between this city and our desert city like Yazd

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]



تصویر ۱۲و ۱۳: مقایسه شهر پراگ با شهر گرگان از راست به چپ
Fig. 12,13: Comparing the city of Prague with with the city of Gorgan, from right to left



تصویر ۱۴: مدل کلی شهرهای رمانتیک را می‌توان با هندسهٔ زمین‌محور و توپولوژیک در مقابل ساختار هندسی بیان کرد.
Fig. 14: The general model of romantic cities can be expressed in the form (Fig14) with geopolitical and topological geometry versus geometric structure.

۵-۲. شهر کیهانی

توصیف شولتز، از شهرهای کیهانی به شهرهای رومی نزدیک‌تر است ولی مثال خارطوم و تأکید او بر شهرهای عربی اسلامی را به‌خوبی می‌توان در شهرهای کویری مناطق گرم و خشک یا گرم و مرطوب مشاهده کرد (جدول ٦).

۵-۲-۱. اقلیم: گرم و خشک

۵-۲-۲. انتظام بافت شهر

فضای کیهانی دارای مشخصات هندسی است، هندسه‌ای منظم و خاص که می‌توان گفت در عین بی‌نظمی، دارای نظم است، به این‌گونه که شهر دارای هندسهٔ مشخص نیست. بیشتر به حالت الگوهای ارگانیک مشابه است ولی در نقاطی شاخص دارای انتظام هندسی می‌شود. فضای کیهانی یک‌شکل و همگن است. اگرچه جهت‌های آن ازنظر کیفی متفاوت هستند. بااین‌حال فضای کیهانی با موردی متقابل که می‌توان آن را فضاهای هزارتو (لابیرنتی) نامید نیز رابطه دارد. این‌گونه که بناهای عمومی اصلی مبتنی بر شبکه‌ای متعامد است (مسجد، مدرسه و ...) و بخش مسکونی هزارتو هستند (تصاویر ۱۷،۱۸و۱۹) (جدول ۷). (Bagheri 2007).

۵-۲-۳. تعامل آسمان و زمین

در جهان اسلام، رابطهٔ آسمان با زمین بسیار مورد اهمیت است. این رابطه با کمک عناصر عمودی به نام منار ایجاد می‌شود که هم رابطهٔ بصری و هم معنوی در وجود شهر و دید انسان ایجاد می‌کند (Shirazi 2009). تاق عظیم و محیط آسمان بی‌ابر که گهگاه میان صخره‌ها و درختان همچون یک قطاع تجربه می‌شود و آسمان به‌واسطهٔ خورشید و ماه و ستارگان ساختار می‌یابد و نظم سادهٔ آن را تغییرات جوی

جدول ۶ نمونه شهرهای کیهانی ایرانی در مقایسه با پیشنهاد شولتز
Table 6: An example of Iranian cosmic cities compared to Schultz's proposal

روح مکان	نمونه شولتز	نمونه اسلامی ایرانی
معماری کیهانی	خارطوم (سودان)	یزد، نائین (یزد) کرمان (کرمان) دزفول، شوش، شوشتر (خوزستان) بیرجند (خراسان) زاهدان (سیستان)

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]



تصویر ۱۵و۱۶: درون‌گرایی فضاهای جمعی در کرمان، درون‌گرایی در خانه‌های خراسان
Fig.15,16. Introversion of collective spaces in Kerman, introversion in Khorasan houses

مبهم و گنگ نمی‌سازد (جدول ۷).

۵-۲-٤. چشم‌انداز و طبیعت

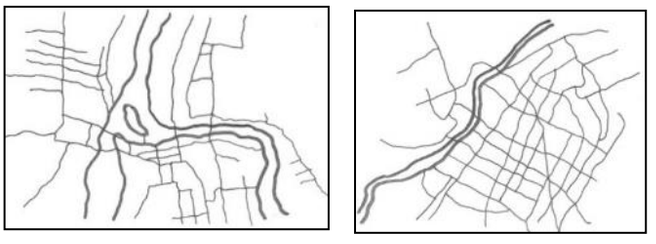
در بیابان انسان با "نیروهای" متنوع طبیعت مواجه نمی‌شود، اما خصوصیت کیهانی کامل آن را تجربه می‌کند (جدول ۷).

۵-۲-۵. تأثیر در مکان، معنا و روح

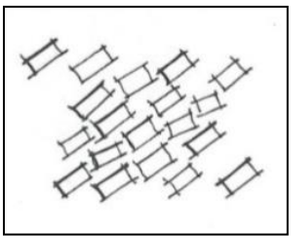
درون‌گرایی طبیعی، معنای باشیدن: حرکت از سطح کلان به خُرد (از مفهوم به مصداق)، معنویت: خدا آشکار است (تصاویر ۱۵و۱٦) (جدول ۷).

جدول ۷: نتایج بررسی‌ها در شهر کیهانی
Table 7: Survey results in the cosmic city

روح مکان شهر	۱. انتظام بافت شهر		۲. تعامل آسمان و زمین		۳. چشم‌انداز و طبیعت		۴. تأثیر در مکان، معنا و روح		
	انتظام بافت شهر	محصوریت و وسعت	تعامل آسمان و زمین	خط آسمان	چشم‌انداز	ارتباط با طبیعت	تأثیر در مکان	معنای باشیدن	معنویت
کیهانی	منظم هندسی لابیرنتی	زیاد	آسمان غالب است	یکنواخت	وحدت	وحدت و انتزاع نظم کلی از طبیعت	درون‌گرایی	حرکت از سطح کلان به خُرد (از مفهوم به مصداق)	خدا آشکار است



تصویر ۱۷و ۱۸: مقایسه ساختار شهر خارطوم، با شهر دزفول از راست به چپ
Fig. 17,18: Comparing the structure of Khartoum city with Dezful city from right to left



تصویر ۱۹: مدلی کلی از بافت شهر کیهانی را نمایش می‌دهد. فضای کیهانی مشخصاً هندسی است، بااین‌حال، با موردی متقابل که می‌توان آن را "فضای هزارتو (لابیرنتی)" نامید، نیز رابطه دارد.
Fig. 19: Shows an overview of the texture of the cosmic city. Cosmic space is clearly geometric, however, and is related to the interaction of what can be called "labyrinthine space."

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

جدول ۸: نمونه شهرهای کلاسیک ایرانی در مقایسه با پیشنهاد شولتز
Table 8: An example of classical Iranian cities compared to the Schultz proposal

الگو	نمونه شولتز	نمونه اسلامی ایرانی
معماری کلاسیک	روم یونان	اصفهان (اصفهان) شیراز (فارس) سنندج (کردستان) خرم‌آباد (لرستان) تبریز (آذربایجان شرقی)



تصویر ۲۰و۲۱و۲۲:رم (ایتالیا)، اصفهان (اصفهان)، سنندج (کردستان). چشم‌انداز کلاسیک را نه یکنواختی تعین می‌بخشد و نه تعدد و چندگانگی
Fig. 20,21,22: Rome (Italy), Isfahan (Isfahan), Sanandaj (Kurdistan). Classical perspective is determined neither by uniformity nor by multiplicity.

۵-۳. شهر کلاسیک

اگرچه شولتز صریحاً این الگو را برتر از الگوهای دیگر ندانسته ولی از طرز تحلیل او به‌خوبی مشخص است که جامعیت بیشتر را در این روح مکان و این اقلیم مشاهده می‌کند. این شهرها اغلب، در مناطقی معتدل و خوش آب‌وهوا شکل می‌گیرند (جدول ۸).

۵-۳-۱. اقلیم: اقلیم‌های متفاوت و مرکب

۵-۳-۲. انتظام بافت شهر

فضای کلاسیک خصیصه‌های موضع شناختی و هندسی را وحدت می‌بخشد. بنای منفرد می‌تواند واجد نظم هندسی مشخصی باشد که مبنایی را برای هویت آن شکل می‌دهد، درحالی‌که سازمان‌دهی بسیاری از بناها موضع شناختی است. به‌این‌وسیله آزادی دموکراتیک خاصی بیان می‌شود (تصاویر ۲۵، ۲۶و۲۷) (جدول ۹).

۵-۳-۳. تعامل آسمان و زمین

عموماً تطبیق به‌صورت تعادل هماهنگ زمین و آسمان ظهور می‌یابد. زمین که حضوری شکل‌پذیر دارد، به‌آرامی برمی‌خیزد و در درختانی که ارزش شکلی خاص خود را دارند، به شکوفه می‌نشیند. نور طلایی آسمان را با ملایمت پاسخ می‌گوید (تصاویر ۲۱،۲۰ و ۲۲) (جدول ۹).

۵-۳-٤. چشم‌انداز و طبیعت

چشم‌انداز کلاسیک را نه یکنواختی تعین می‌بخشد و نه تعدد و چندگانگی، بلکه در آن، ترکیبی روشن و ادراک‌پذیر از عناصر مجزا و مشخص را می‌یابیم (تصاویر ۲۳ و۲٤) (جدول ۹).

۵-۳-۵. تأثیر در مکان، معنا و روح

هم برون‌گرایی و هم درون‌گرایی، معنای باشیدن: تعادل بین حرکت در سطوح خُرد و کلان (مصداق و مفهوم)، معنویت: خدا گاه پنهان و گاه آشکار است (جدول ۹).

با توجه به مطالب ذکرشده در بالا و شهرهای اسلامی، جهت‌گرفتگیِ شهرهای اسلامی به علت اسلامی بودن همه، دارای یک روح نیست. ولی می‌توان ادعا کرد که اسلام یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث تغییر در ساختار و شکل شهرها می‌شود. با ورود اسلام به شهرهای مختلف تغییراتی در ساختار و شکل آن‌ها بر اساس معیار الگوهای اسلامی و شهرسازی ایجادشده است. شهرهای ایرانی هم از این قاعده مستثنا نیستند، نمونه بارز این تغییرات را در شهر دمشق می‌توان مشاهده کرد (تصاویر ۲۸و۲۹).

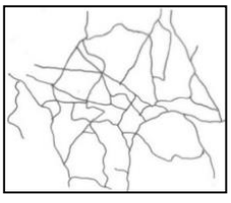
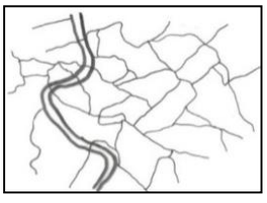
[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]



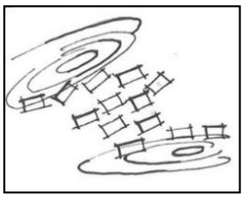

تصویر ۲۳و۲۴: درون‌گرایی در خانه‌های اصفهان، درون‌گرایی و برون‌گرایی در خانه‌های بوشهر (عکس میدانی)
Fig. 23,24: Introversion in Isfahan houses, introversion and extroversion in Bushehr houses

جدول ۹. نتایج بررسی‌ها در شهر کلاسیک
Table 9: Results of surveys in the classical city

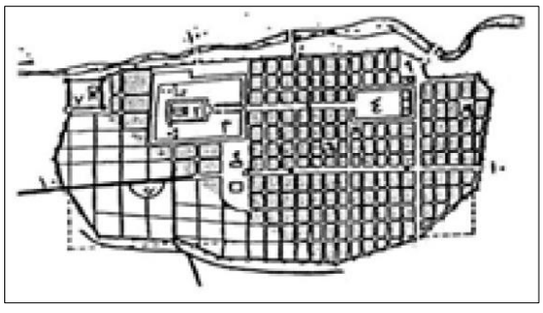
روح مکان شهر	۱. انتظام بافت شهر		۲. تعامل آسمان و زمین		۳. چشم‌انداز و طبیعت		۴. تأثیر در مکان، معنا و روح		
	انتظام بافت شهر	محصوریت و وسعت	تعامل آسمان و زمین	خط آسمان	چشم‌انداز	ارتباط با طبیعت	تأثیر در مکان	معنای باشیدن	معنویت
کیهانی	تعادل بین منظم و نامنظم	متوسط	تعادل در ظهور زمین و آسمان	تعادل	تعادل بین کثرت و وحدت	کثرت بر اساس استخراج خصلت‌های انسانی در طبیعت	هم برون‌گرا و هم درون‌گرا	تعادل بین حرکت در سطوح خُرد و کلان (مصداق و مفهوم)	خدا گاه پنهان و گاه آشکار است

تصویر ۲۵و۲۶: رم (ایتالیا)، سنندج (کردستان)، دیاگرام انتظام بافت شهر
Fig. 25,26: Rome (Italy), Sanandaj (Kurdistan),diagram of texture of the city



تصویر ۲۷: فضای کلاسیک، خصیصه‌های موضع شناختی و هندسی را وحدت می‌بخشد
Fig. 27: Classical space unites the features of cognitive and geometric position




تصویر ۲۸: دمشق در اوایل قرن ۷ میلادی و قبل از تصرف مسلمانان. تصویر ۲۹: استخوان‌بندی معابر دمشق در قرون اولیه اسلام از راست به چپ (Naghizadeh, 1374)
Fig. 28: Damascus in the early 7th century BC. Fig 29: Bone marrow transplants in the early centuries of Islam from right to left (Naghizadeh, 1374)

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

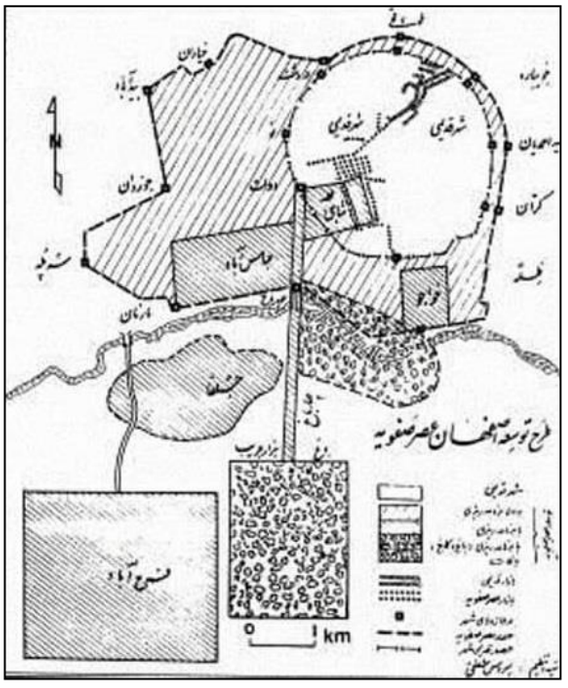
٤-٥. باغشهر

مبنای ایدهٔ باغشهرها که توسط هاروارد مطرح شد دو مسئله است، یکی «مداین فاضله» که در نظر وی اجتماعات کامل و بدون نقص به شمار می‌رفتند و ترکیبی از شهر و روستا بودند. دیگری ایدهٔ «خانه‌های تک خانواری در فضای سبز» است که می‌توان آن‌را صورتی از همان ایدئال اتوپیا دانست که در فرهنگ ویکتورین مطرح بوده است (Benevole 2006). جنبش باغشهر به دنبال ایجاد فعالیت‌های تفریحی تأثیرگذار در فضاهای باز عمومی بود. این فضاهای باز هم‌چنین برای ارتقای کیفیت زندگی کارگران کارخانه‌ها در نظر گرفته‌شده بودند (Woolley 2003). در طرح باغشهر هاروارد هدف، عبارت است از بالا بردن شاخص سلامتی و راحتی همهٔ کارگران واقعی در هر سطحی که قرار داشته باشند (Habibi 2008). ایدهٔ اصلی باغشهر در شهرسازی غرب به‌منظور خلق مجتمع‌های پایدار و ارتباط بیشتر با محیط اطراف در قرن ۱۹ میلادی مطرح شد. این طرح، در خاورمیانه، دربرگیرندهٔ مفهوم معنوی است و به‌منظور ایده‌ای برای ایجاد بهشت زمینی مطرح شد (Haghighatbin et al. 2011).

٤-٤-١. باغشهر صفوی

الگوی باغشهر صفوی به این منظور مطرح‌شد که شهری کامل و ایدئال ساخته شود. در ایران باغشهر صفوی ترکیبی از الگوهای کهن ایرانی و اسلامی بود که ذاتاً دارای روحی ترکیبی بوده و به همین دلیل، شهری ایدئال محسوب می‌شده است.

تاریخ اصفهان از دو بخش تشکیل می‌شود: قسمت اول که مربوط به میدان قدیم شهر و مسجد جامع آن است و بخش جدید که از میدان نقش‌جهان و همجواری‌های آن تشکیل‌شده است. طرح اولیهٔ اصفهان در زمان شاه‌عباس اول مطرح‌شد و الهام گرفته از باغ ایرانی و دو محور عمود بر هم بود که این دو محور در مقیاس شهری، زاینده‌رود و چهارباغ بوده است که این دو عنصر عمود بر هم استخوان‌بندی اصلی شهر اصفهان را تشکیل می‌دهند (Haghighatbin et al. 2011). بنا به نوشته‌های پیترو دلاواله، باغشهر اصفهان، در



تصویر ۳۰: نقشهٔ شهر اصفهان
Fig. 30: Map of Isfahan (Haghighatbin et al. 2011)

زمان شاه‌عباس اول به‌وسیلهٔ تقاطع عناصر نظم‌دهندهٔ شهر، در عین پیوستگی به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شده که گروه‌های مختلف قومی و مذهبی ساکن در اصفهان را در بخش‌های مجزا جای می‌داده است (Delavale 1969) (تصویر ۳۰).

مکتب اصفهان، تحقق «آرمان‌شهر» دولت صفوی است. مکتب اصفهان الگوی آرمانی خود را به اجرا درمی‌آورد و تلفیقی دقیق و روشن از موجود و مطلوب را عرضه می‌دارد. در این تلفیق، دو روش طراحی اندامین (ارگانیک) و خردگرا (راسیونل) درهم‌آمیخته می‌شوند و در هماهنگی و هم‌نوایی با یکدیگر، مفهومی جدید از برنامه‌ریزی و طراحی فضایی را عرضه می‌دارند (Habibi 2008). شهر و بنا، شهرسازی و معماری نیز تجلی و حضور چهار نظم مادی (زمینی) یعنی آب، خاک، گیاه، هوا و نظم کیهانی هستند. به‌کارگیری چهار نظم مادی نشان می‌دهد که چگونه مکتب اصفهان تلفیق و ترکیب مکان و محیط، مصنوعی و طبیعی، ساخته و ناساخته، نظم و بی‌نظمی را در دستور کار زبان طراحی شهری خود قرار داده است (Habibi 2008).

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

نتیجه‌گیری

این پـژوهش، نظریـهٔ روح مکـان را کـه بـر مبنـای نگـرش پدیدارشناسی شکل‌گرفته است، موردبررسی قـرار داده و بـا تفسیری بوم‌گرا تلاشی در راستای بهره‌مندی از دستاوردها و نتایج طراحی محـیط آن کـرده اسـت. ایـن نظریـه در بسـتر اقلیمی اروپا و آفریقا و بخش‌هـایی از آسـیا شـکل‌گرفتـه و مدعیات ساده‌انگارانه‌ای از شهر اسلامی دارد ولی کل نظریه را می‌توان در بستر فرهنگ و اقلیم ایرانی تعمـیم داد. تبیـین کامل این نظریه می‌تواند عاملی مـؤثر در احیـای هویـت در مناطق درحال‌توسعه سرزمین‌های اسلامی باشد و حداقلی از هویت جغرافیایی و فرهنگی را ایجاد کند و از ماشینی شدن شهرها و کمرنگ شـدن هویـت شـهرهای ایرانـی-اسـلامی بکاهد. کشور ایران، در موقعیت جغرافیایی خـود دارای هـر چهار نوع الگوی شهرسازی و معماری اسـت کـه متأسـفانه این مهم با گسترش جهانی‌سازی و فنّـاوری جهـانی، رو بـه انحطاط می‌رود. طراحـی شـهری و معمـاری بـرای احیـای هویت می‌تواند از نتـایج پـژوهش‌هـای روح مکـان در ایـن حوزه به‌خوبی بهره‌مند شود. این پـژوهش، تنهـا در مراحـل اولیهٔ خود قرار دارد، اما می‌توانـد افـق‌هـای جدیـدی بـرای مطالعه ویژگی‌های شخصیتی از طریق زمینـه‌هـای اقلیمـی و رفتاری بازنماید و بـه توسـعهٔ راهبردهـا و اصـول طراحـی محیطی که خود تفسیری از معماری و شهرسـازی اسـلامی است، منتهی شود. این امر، نه‌تنها به سازگاری فیزیکی انسان با محیط بلکه به تأمین نیازهای روان‌شناختی و معنوی انسان هم بیشتر کمک می‌کند. بُعد الهیات و فرهنگ محیطی کـه از ابعاد محتوایی این نظریه است، هنوز نیاز بـه پـژوهش‌هـای گسترده‌تر دارد ولی ابعاد کاربردی و کالبدی آن بدون شـک قابل‌استفاده هستند. مـی‌تـوان از طریـق مطالعـهٔ اقلـیم‌هـا و رفتارهای گوناگون، به اصول طراحی شهری در محـیط‌هـای گوناگون (حداقل سه تیپ شخصیتی و روح مکان مطرح در این نظریه) دست پیدا کرد. درعین‌حـال ایـن بـرای مـا تنهـا شـروع تحقیقـی گسـترده پیرامـون گـرایش‌هـای اقلیمـی و رفتاری با اصول طراحی مذکور است تا بتوانیم به‌تـدریج بـه معماری با هویت‌تری دست‌یابیم. وجود سه جنبـهٔ متفـاوت، یعنی وسعت تاریخی، گستردگی جغرافیـایی و تنـوع قـومی فرهنگی و نیز امکانات نامحدود، ترکیب و آمیزش آن‌هـا بـا فرهنگ و تمدن اسلامی، به عرضهٔ نوعی وحدت در بسیاری از مفاهیم بین آن‌ها منجر شده است. از سوی دیگر، با توجه به سه عامل یادشده، اخـتلاف زیـادی در میـان پدیـده‌هـای شهری پیش‌آمده است. مـدنیت (شهرسـازی و شهرنشـینی) به‌ویژه، در بخش کالبدی آن‌که بیشتر متـأثر از ویژگـی‌هـای سرزمینی و جغرافیایی است، دارای ساختی کاملاً یکسان در اقلیت‌هـای متنـوع مسـلمانی نیسـت. سـاخت‌هـای شـهری مسلمانان در اقلیت‌های متفاوت قومی و جغرافیایی، شبیه به یکدیگر نخواهد بود، در عین آن‌که روح مشترک همهٔ آن‌هـا برآمده از مکتب الهی اسلام است که در جلوه‌های گونـاگون محیطی ظهـور کـرده اسـت. اثبـات ایـن وحـدت در ورای کثرت‌های بومی، امری مهم است کـه نیـاز بـه تحقیـق‌هـای بعدی دارد و در مجال این تحقیق نمی‌گنجد.

فهرست منابع

اخوت، هانیه. ۱۳۸۹. *معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی*. تهران: طحان.

اردلان، نادر، لاله بختیار. ۱۳۸۰. *حس وحدت*، ترجمه حمید شاهرخ. اصفهان: نشر خاک.

اندرو، فرانسیس مک. ۱۳۸۷. *روانشناسی محیطی*، ترجمه شده غلامرضا محمودی. تهران: زرباف اصل.

باقری، اشرف السادات. ۱۳۸٦. *نظریه‌هایی درباره‌ی شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی*. تهران: امیرکبیر.

بهرام، سرمست، محمدمهدی متوسلی. ۱۳۸۹. بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران).

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]

[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

فصلنامه مدیریت شهری ۸(۲۶): ٤٦-۳۳.

بنه ولو، لئوناردو. ۱۳۸۵. *شهر اسلامی و اروپایی در قرون‌وسطا*. ترجمه پروانه موحد. تهران: مرکز زبان دانشگاهی.

بیات، بهرام. ۱۳۹۳. رویکرد اسلامی به شهر؛ ویژگی‌های شهر اسلامی. *فصلنامه علمی-پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران اسلامی* ۱٦۷-۱۳۷.

پاکزاد، جهانشاه. ۱۳۹۰. *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی ۳، از فضا تا مکان*. تهران: آرمانشهر.

حقیقت‌بین، مهدی، شیرین ذبیحیان، مجتبی انصاری. ۱۳۹۱. بررسی اصول باغشهر هاروارد و مقایسه آن با باغشهر صفوی. *نقش‌جهان* ۷۸-٦۷.

حبیبی، سید محسن. ۱۳۸۷. *از شار تا شهر، تحلیلی تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تأثر*. تهران: دانشگاه تهران.

حکیم، بسیم سلیم. ۱۳۸۱. *شهرهای عربی-اسلامی*. ترجمه محمدحسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حمزه‌نژاد، مهدی، مینا دشتی. ۱۳۹۵. بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدار شناسان و سنت‌گرایان معنوی. *فصلنامه علمی-پژوهشی نقش‌جهان* ۳۵-۲٤.

حیاتی، حامد، علی‌رضا زارع، احمد امین پور و رامین مدنی. ۱۳۹٦. تحقق مفهوم قرآنی و روایی حئوث در شهرسازی و طراحی مسکن. *نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری* ۸(۳۱): ۲٦۷-۲۹۸.

خدایی، زهرا، علی‌اکبر تقوایی. ۱۳۹۰. شخصیت شناسی شهر اسلام؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی. *فصلنامه علمی-پژوهشی شهر ایرانی اسلامی* ۱۱۳-۱۰۳.

دانش، جابر. ۱۳۸۹. مبانی شکل‌گیری و اصول سازمان‌یابی کلیدی شهر اسلامی. *فصلنامه شهر ایرانی اسلامی*.

دلاواله، پیترو. ۱۳٤۸. *سفرنامه پیترو دلاواله*. ترجمه شعاع الدین شفا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

رئیسی، نیما، حسام عشقی صنعتی. ۱۳۹۱. نسبت فضا و مکان در اثر معماری، با تکیه‌بر اندیشه‌های مارتین هادیگر و کریستین نوربرگ شولتز. *روزنامه شرق، شماره ۱۵۰۱*.

زارع، سلماز، محسن قاسمی. ۲۰۱٦. بررسی طراحی موزه هنرهای معاصر با روزگرد زمینه گرا نمونه موردی: موزه هنر مدرن نیویورک، موزه هنر کمبل، موزه هنر واکایاما ژاپن، *دومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، شهرسازی و پایداری"* استانبول، ترکیه: موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ویرا.

زینلی قطب‌آبادی، امینه. ۱۳۹٤. شناسایی نقش مؤلفه‌های طبیعی در ایجاد هویت شهری؛ نمونه موردی: شهربابک. *پژوهش‌های منظر شهر*.

سپهر، آرش قربانی، محسن جان‌پرور، محبوبه ساعدی، محمدرضا میرشکاری. ۱۳۹۷. بررسی ویژگی‌های بازار در شهر اسلامی در راستای تحقق الگوی ایرانی- اسلامی. *هفتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از الگوی پایه به‌سوی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت*.

سلطانی، علی، احمدعلی نامداریان. ۱۳۹۰. تحلیل نقش فضاهای شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهرها تبیین پارادایم ارتباط. *فصلنامه باغ نظر ۱۸*: ۸٤-۷۵.

شوای، فرانسواز. ۱۳۸٦. *شهرسازی تخیلات و واقعیات*. ترجمه سید محسن حبیبی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شولتز، کرستیان نوربرگ. ۱۳۸۷. *مفهوم سکونت: به‌سوی معماری تمثیلی*. ترجمه محمود یاراحمدی. تهران: آگه.

شولتز، کریستیان نوربرگ. ۱۳۸۸. *روح مکان؛ به‌سوی پدیدارشناسی معماری*. ترجمه محمدرضا شیرازی. تهران: رخداد نو.

صادقی‌پور، محمدصادق، اصغر فهیمی‌فر، زینب بیات. ۱۳۹۳. سکنای اصیل: از خوانش هادیگر تا اصفهان صفوی مطالعه‌ای پیرامون باغ-شهر اصفهان در دوره صفوی. *نقش‌جهان* ٦۱-۵۱.

طاهباز، منصوره. ۱۳۸۳. ردپای قداست در معماری اسلامی ایران. *نشریه علمی پژوهشی صفه ۱٤(۳-٤)*: ۱۰۳-۱۲۳.

کرمی، اسلام. ۱۳۹۰. فرایند توجه به هویت اسلامی در ساختار کالبدی شهرهای ایرانی و دستیابی به حس مکان اسلامی-ایرانی در طراحی شهری معاصر. *اولین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی*. تهران: دانشگاه هنر اسلامی تبریز.

کشفی، محمدحسین، محمدعلی کشفی، حسام جواهر پور. ۱۳۹۳. بررسی مبانی فلسفی «سکنی گزینی» از دیدگاه پدیدارشناسی با تکیه‌بر ارزش‌های اسلامی ایران. *فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز ۲*: ۸-۵۵.

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]

[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

کونئو، پائولو. ۱۳۸٤. *تاریخ شهرسازی جهان اسلام*. ترجمه سعید تیزقلم زنوزی. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.

کوئنو، پائولو. ۱۳۸٤. *تاریخ شهرسازی جهان اسلام*. تهران: شرکت عمران و بهسازی.

گرابار، الگ. ۱۳۹۰. *شهر در جهان اسلام* ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند. تهران: بصیرت.

مشکینی، ابوالفضل، علی‌رضا رضایی مقدم. ۱۳۹۳. بررسی مؤلفه‌ها و شاخص‌های شهر اسلامی با تأکید بر نقش و اهمیت فرهنگ‌سازی در تحقق الگوی شهرسازی اسلامی–ایرانی. *شهر پایدار* ٦۷–۳۷.

مشکینی، ابوالفضل، مهدی حمزه‌نژاد، اکرم قاسمی. ۱۳۹٤. تدقیق مفهومی و تشریح راهکارها و شاخص‌های تحقق‌سنجی چهاراصل مسجد محوری، درونگرایی و طبیعت‌گرایی در شهر ایرانی اسلامی. *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*.

ملایری، محمدحسین. ۱۳۹٦. *فلسفه علم پدیدارشناسی*. ققنوس.

ملایری، محمدحسین. ۱۳۸۹. فلسفه علم پدیدارشناسی هرمنوتیک پژوهش کیفی. *راهبرد*. ٥٤: ۱۰٦–۵۹.

ملکی، سعید، سعیدی جعفر. ۱۳۹٤. بررسی و تحلیل نقش طبیعت در ساختار معماری و شهرسازی اسلامی. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس ۱۷(۲۵): ۲۳–۴۹.*

محمودی‌نژاد، هادی، محمدرضا بمانیان. ۱۳۸۷. *پدیدارشناسی مکان*. تهران: سازمان شهرداری‌ها و دهیاری.

نصر، سید حسین. ۱۳۷۹. *انسان و طبیعت*. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

نقی زاده، محمد. ۱۳۷۷. صفات شهر اسلامی در متون اسلامی. *هنرهای زیبا ٤و٥*: ٤۷.

نقی زاده، محمد، بهناز امین‌زاده. ۱۳۷۹. رابطه معنا و صورت در تبیین مبانی هنر. *هنرهای زیبا ۸*: ۳۲–۱٦.

نیک‌روش، ریحانه، مریم قاسمی سیچانی. ۱۳۹۳. بازشناسی جایگاه روح مکان در طراحی فضای کودکان بر مبنای آرای پدیدار شناختی نوربرگ شولتز. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی* ۱۷۲–۱٤۵.

منابع انگلیسی

Abu-Lughod, J.L., 1987. The Islamic city–Historic myth, Islamic essence, and contemporary relevance. *International Journal of Middle East Studies* 19(2):155-176.

Ardalan, N., L. Bakhtiar. 2001. *Sense of Unity*. Translated by Hamid shahrokh. Esfahan: khak. [in Persian]

Assari, A., and E. Assari. 2012. Urban Spirit and Heritage Conservation Problems: Case Study Isfahan City in Iran. *Journal of American Science* 8(1): 202-109.

Bagheri, A. S. 2007. *Theories about cities in the realm of Islamic culture*. Tehran:AmirKabir. [in Persian]

Bayat, B. 2014. Islamic approach to the city: Islamic City Characteristics. *Social theories of Muslim thinkers* 4(1): 137-167. doi: 10.22059/jstmt.2014.57079. [In Persian]

Benevelo, Leonardo. 2006. Islamic and European city in the Middle Ages. Translated by Parvaneh Movahedi. Tehran: Markaz zaban daneshgahi. [In Persian]

Cantu Delgado, Julieta. 2008. *Rebuilding the spirit of place*: The Fundidora Park of Monterrey: 1-10.

Chapin III, F. Stuart, and C.N. Knapp. 2015. Sense of place: A process for identifying and negotiating potentially contested visions of sustainability. *Environmental Science & Policy* 53: 38-46.

Charest, Philippe, André Potvin, and Claude MH Demers. 2019. Aquilomorphism: materializing wind in architecture through ice weathering simulations. *Architectural Science Review* 62(2): 182-192.

Chen, Jing, Yuwei Cao, and JingJing Chen. 2019. A Quantitative Analysis of Creating Genius Loci in a Museum Based on Spatial Visibility Analysis. In *MATEC Web of Conferences*. vol. 278, p. 04003. EDP Sciences.

Coelho, Paulo. The Zahir. 2005. Translate by Jull Costa, M. 2005. New York: Harper Collins.

Christou, Prokopis A., Anna Farmaki, Alexis Saveriades, and Elena Spanou. 2019. The "genius loci" of places that experience intense tourism development. *Tourism Management Perspectives* 30: 19-32.

Cui, X., and C. Ryan. 2011. Perceptions of place, modernity and the impacts of tourism–Differences among rural and urban residents of Ankang, China: A likelihood ratio analysis. *Tourism*

Danesh, Jaber. 2010. *Formation Fundamentals and Physical Organization Principles of Islamic City*: 15-31. [In Persian]

Delavale, Pitro. 1969. *Petro Delavaleh Travelogue*. Translated by Shojaodin Shafa. Tehran: Bongah tarjome va nashr ketab. [In Persian]

Dimache, A., A. Wondirad, and E.Agyeiwaah. 2017. One museum, two stories: Place identity at the Hong Kong Museum of History. *Tourism Management*(63): 287-301.

Endro, F. M. 1999. *Environmental Psychology*. Translated by Gholamreza Mahmodi. Tehran: zarbaf asl. [In Persian]

Garrod, Brian. 2008. Exploring place perception a photo-based analysis. *Annals of Tourism Research* 35(2): 381-401.

Gerabar, Elg. 2001. *City in the Islamic world*. Translated by Mehrdad Vahdati Daneshmand. Tehran: Basirat. [In Persian]

GhorbaniSepehr, A., M. Janparvar, M. Saedi, M. Mirshekari. 2018. Investigating the characteristics of the market in the Islamic

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]

[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

city in order to achieve the Iranian-Islamic model. *The 7th Conference on the Iranian-Islamic model of progress from the basic model to the Iranian-Islamic model of progress*. [In Persian]
Habib, F. and Sahhaf, S.M.K. 2012. Christian Norberg-Schulz and the existential space. *International Journal Of Architecture and Urban Development* 2(1):45-50.
Habibi, S. M. 2008. From the city to the city: a historical analysis of the concept of the city. Tehran: University of Tehran.
Haddad, E. 2010. Christian Norberg-Schulz's Phenomenological Project In Architecture. *Architectural Theory Review*, 15(1):88-101.
Haghighatbin, M., & M. Ansari, Sh. Zabihian. 2012. Howard's and Safavid's Garden Cities' Principles (A Comparative Study) Naqshejahan- Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning 2 (1): 67-78. [In Persian]
Hakim, B.s. 2002. *Arab-Islamic cities*. Translated by Mohamad Hosein Malekhmadi. Aref Aghvamimoghadam. Tehran: Vezarat farhangh va ershad islami. [in Persian]
Hamzenejad, M., & M. Dashti. 2016. Iranian Traditional Houses from the Perspective of Phenomenologists And Moral Traditionalists. Naqshejahan-Basic studies and New Technologies of Architecture and Planning 6(2): 24-35. [In Persian]
Hayaty, H., A.R. Zare, A. Aminpoor, and R. Madani. 2018. Realization of Qur'anic Concept and Validity of Rights in Urban Planning and Designing Housing: 267-297. [In Persian]
Jive´ N, G. & Larkham, P.J. 2003. Sense of place, authenticity and character: a commentary. *Journal of urban design* 8(1):67-81.
Karami, E. 2011. The process of paying attention to Islamic identity in the physical structure of Iranian cities and achieving a sense of Islamic-Iranian place in contemporary urban design. *The First National Conference on Islamic Architecture and Urban Planning.* Tabriz: The art University of Tabriz. [In Persian]
Kashfi, M. H., H. Djavaherpour, M. A. Kashfi. 2014. Critical Analysis of Philosophical Basis of "Settlement" from Phenomenological Point of View Based on Islamic-Iranian Values. *Journal of Religious Thought* 51: 55-80. magiran.com/p1324289. [In Persian]
Kepczynska-Walczak, A. and Walczak, B.M. 2013 September. Visualising» genius loci «of built heritage'. In *Proceedings of the 11th Conference of the European Architectural Envisioning Association, Envisioning Architecture: Design, evaluation, communication*: 23-28.
Khodaee, Z., & A. A. Taghavee. 2011. The Character of an Islamic City: With an Emphasize on Physical Dimensions of an Islamic City: 103-113. [In Persian]
Konto, P. 2005. History of urban planning in the Islamic world. Translated by Saeed Tiz Ghalam Zenozhi. Tehran: sherkat omran va behsazi. [In Persian]
Loukaki, A., 1997. Whose genius loci?: Contrasting interpretations of the "sacred rock of the Athenian Acropolis". *Annals of the Association of American Geographers* 87(2): 306-329.
Malayeri, M.H. 2017. Philosophy of Phenomenology. Tehran: Ghoghnos. [In Persian]
Malayeri, M.H. 2010. The Hermeneutic Phenomenological Approach To Philosophy Of Science And Qualitative Research. *Special Issue For Qualitative Research* 19(54): 59-106. [In Persian]
Maleki, S., J. Saeedi. 2015. Study and analysis of the role of nature in the structure of Islamic architecture and urban planning. *Faslname Joghrafia Va Barnamerizi Shahri Cheshmandaz Zagros* 7(25): 23-49. [In Persian]
Mahmodinezhad, H., M. Bemanian. 2008. *Phenomenology of place*. Tehran: Sazman shahrdariha va dehyari. [in Persian]
McCabe, S., and E. H. Stokoe. 2004. Place And Identity In Tourists'accounts. *Annals of Tourism Research* 31 (3): 601-622.
Meshkini, A., A. Rezaie Moghadam. 2014. Investigating the components and characteristics of the Islamic city with emphasis on the role and importance of culture in the realization of the Islamic-Iranian urban planning model. *6th national conference on urban planning and management wuth emphasis on the elements of Islamic city*, 12&13 november, 2014, Mashhad, Iran. [In Persian]
Meshkini, A., M. Hamzehnejad, & A. Ghasemi. 2015. Conceptual Refining and Solutions (Strategies) Description and Substantiation Indicators of Four Principles of Mosque based, Neighborhood based, Introversion and Naturalism in Iranian-Islamic City. *Iran University of Science & Technology* 3(3):18-33. [In Persian]
Mullendore, N. D., J. D. Ulrich-Schad, and L. S.Prokopy. 2015. US farmers' sense of place and its relation to conservation behavior. *Landscape and Urban Planning* 140: 67-75.
Naghizadeh, M. 1999. Attributes of Islamic City in Islamic Sacred Texts. *Honar-Ha-Ye-Ziba* 4,5: 47. [In Persian]
Naghizadeh, M., & B. Aminzadeh. 2001. The Relationship Between «Meaning» and «Appearance» in Expressing Art Foundations. *Honar-Ha-Ye-Ziba* 8: 16-32. [In Persian]
Nasr, S. H. 2000. *Human and Nature*. Tehran: Daftar nashr vafarhang eslami. [In Persian]
Nikravesh, R., M. Ghasemi Sichani. 2015. Recognizing Genius loci in Designing Children's Spaces, Due to the Phenomenological Ideas of Norberg-Schulz. *Interdisciplinary Studies in the Humanities* 7(1): 145-172. magiran.com/p1383826. [In Persian]
Norberg-Schulz, C., 1997. *Genius loci: paysage, ambiance, architecture*. Editions Mardaga.
Noghrekar, A., & M. Hamzehnejad. 2012. Unison of the phenomenological theory of genius loci and islamic philosophy-Dispositional influence of climate and its consequences on the design of environment. *Iran University of Science & Technology* 22(1): 26-40. [In Persian]
NorbegSholtez, Christian. 2007. *The concept of habitation: towards allegorical architecture*. Translated by Mahmod Yarahmadi. Tehran: Agah. [In Persian]
NorbegSholtez, Christian. 2008. The genius loci: Towards the phenomenology of architecture. Translated by Mohmadreza Shirazi. Tehran: Rokhdad noo. [In Persian]
Okhovat, H. 2010. *Traditional Architecture and Urban Planning in Islamic Countries*. Tehran: Tahan. [In Persian]
Pakzad, Jahanshah. 2011. *The Course of Ideas in Urban Planning: from Space to Place*. Tehran: Armanshahr. [In Persian]

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]
[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]
[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]

Peel, M.C., Finlayson, B.L. and McMahon, T.A. 2007. Updated world map of the Köppen-Geiger climate classification.

Petzet, M. 2008. Genius Loci–The spirit of monuments and sites. *16th ICOMOS General Assembly and International Symposium: 'Finding the spirit of place – between the tangible and the intangible.* Quebec: 1-8.

Raesi, N., H. Eshghi Sanati. 2012. Architectural space and space recording, based on the ideas of Martin Hadiger and Christine Norberg Schultz, *Shargh Newspeaper* 9(1501). [In Persian]

Rakić, T., and D. Chambers. 2012. Rethinking the consumption of places. *Annals of Tourism Research* 39(3): 1612-1633.

Ram, Y., P. Björk, and A. Weidenfeld. 2016. Authenticity and place attachment of major visitor attractions. *Tourism Management* 52: 110-122.

Sarmast, B., M. Motevaseli. 2010. Measure and Analyze the Role of Place Scale on The Place Attachment (Case Study: Tehran). *Urban Management* 8(26):133-146. [In Persian]

Sadeghpour, M. S., A. Fahimifar, Z. Bayat. 2015. Authentic Dwelling: From Heidegger Reading to Safavid Isfahan: A Study of Isfhan Garden-City in Safavid Era. *BSNT* 4(3):51-61. [In Persian]

Shevay, Feransoaz, 2007. *Urbanization of Imaginations and Realities*. Translated by Seied Mohsen Habibi. Tehran: Entesharat daneshgah Tehran. [In Persian]

Soltani, A., & A.A. Namdarian. 2011. *Investigation of the Role of Urban Spaces in Achieving Sustainable Development: Describing Communication Paradigm*: 3-11. [In Persian]

Strecker, I. 2000. The" Genius Loci" of Hamar. *Northeast African Studies* 7(3): 85-118.

Strzelecka, M., B. B. Boley, and K. M. Woosnam. 2017. Place attachment and empowerment: Do residents need to be attached to be empowered?. *Annals of Tourism Research* (66): 61-73.

Suntikul, W., and T. Jachna. 2016. The co-creation/place attachment nexus. *Tourism Management* (52): 276-286.

Tahbaz, M. 2004. Traces of sacrosanctity in Islamic Persian architecture. *SOFFEH* 14(39):103-123. [In Persian]

Woolley, H. 2003. *Urban open spaces*. Taylor & Francis.

Wuisang, C.E.V. and Jones, D.S. 2011. July. Challenges in conserving indigenous culture in Minahasa: culture, genius loci and the Indonesian environmental planning system. In *Proceeding paper of 3rd World Planning School Congress (WPSC)-Planning's Future-Futures Planning: Planning in a Rea of Global (Un) Certainty and Transformation, Perth* (WA): 4-8.

Zare, S., M, Ghasemi. 2016. A Study of the Design of the Museum of Contemporary Art with a Background Orientation Case Study: New York Museum of Modern Art, Campbell Museum of Art, Wakayama Museum of Art, Japan. 2nd International Conference on Civil Engineering, Architecture, *Urbanism and Sustainability "Istanbul, Turkey: Vira Capital* . [In Persian]

Zeynali Ghotb abadi, A. 2015. Investigation Patterns of Natural Components in The Creation of Urban Identity: Case Study:Shar-E-Babak. *Journal of Urban-Landscape Research* 2(4):7-18. [In Persian]

[Downloaded from ciauj-tabriziau.ir on 2023-01-03]

[DOR: 20.1001.1.27169758.1399.5.1.6.2]

[DOI: 10.29252/ciauj.5.1.1]